

امیدسازی یا امیدسوزی؟!

از کودکان و نوجوانان کشور، در شرایط اجتماعی، خانوادگی و فامیلی بسیار آلوده‌ای به لحاظ انعکاس شرایط زندگی در ایران مواجه هستند. سیاه‌نمایی شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جمع‌های کوچک و بزرگ اطراف دانش‌آموزان بسیار رایج است. در بسیاری از این جمع‌ها، شرایط زندگی ایرانیان بسیار به تلخی و سیاهی منتقل می‌شود. انتقاد و ایراد گرفتن از هر پدیده‌ای، به عادت و هنجاری متداول تبدیل شده است؛ بسیاری از کودکان و نوجوانان وقتی در جمع‌های بزرگان می‌نشینند، تعبیر گوناگونی از نارضایتی و سیاهی و تاریکی شرایط را می‌شنوند. حاکمیت جو دزدی، کلاه‌برداری، اختلاس، پارتی‌بازی و تورم و خرابی وضعیت کسب‌وکار در کشور و بی‌ثمری تلاش‌های مردم در اکثر محاورات افراد به وضوح و وفور مشاهده می‌شود. بی‌ثمری درس خواندن، بی‌نتیجه بودن صداقت و راستی، بی‌ثمر بودن تلاش برای آبادانی و پیشرفت کشور و خلاصه بی‌ثمری کار برای ایران و در ایران را در بسیاری از گفت‌وگوها می‌بینیم. کافی است در یک جمع دوستانه یا فامیلی صحبت گل ببندازد و گفت و شنودی شکل بگیرد؛ در اکثر مواقع، سخنان پر است از انتقاد، بیان فضای دروغ و تقلب و دزدی و بخور بخور. کافی است یکی پُر روشن‌فکرانه و انتقادی بگیرد و همه چیز را غلط، نادرست، ابلهانه و احمقانه نشان دهد. همه سیاست‌ها و برنامه‌ها در کشور از روی نادانی، دزدی و چپاولگری و اختلاس است. تمامی اقدامات سیاست‌مداران و مدیران در جهت تحقق منافع خود و خانواده‌هایشان است. حاکمیت چنین جوی از اظهارنظرها و تحلیل‌ها به سادگی قابل مشاهده است.

در چنین شرایطی خوب است که انسان به کودکان و نوجوانانی فکر کند که شاهد چنین بحث‌ها و گفت‌وگوهای هستند.

خوب است با نگاهی روان‌شناسانه خود را به جای فرزندان بگذاریم که نشسته‌اند و چنین شرایط سیاه و تیره‌ای را در ذهن خود مجسم می‌کنند. آنان بدون اینکه به حدی از رشد رسیده باشند که بتوانند خود درستی و نادرستی این سخنان را تشخیص دهند، این‌گونه سخنان ناامیدکننده و سیاه را از زبان بزرگ‌ترها می‌شنوند. آنان در درجه اول فضایی از تیرگی و سیاهی را از جامعه خود در ذهن مجسم خواهند کرد و در درجه دوم، این شیوه را می‌آموزند که به شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، تنها و تنها نگاهی منفی داشته باشند. می‌آموزند که به هر چیز که می‌نگرند فقط و

باز مدرسه را سال دیگری آغازیدن گرفت و نسیمی نو از تربیت، وزیدن، برگی دیگر از دفتر عمر، ورق خورد و مهر برپای دفتر پارینه؛ گاه آن شد که طرحی نو دراندازیم و تقویمی نو بنگاریم که دیگر تقویم پارینه ناید به کار. در این بهار تربیت، شایسته است که دست در دست ساقی گذاریم و بنیاد غم برکنیم و درخت امید را در سرزمین علم و ایمان قلبمان طراوتی نو بخشیم. ما مریبان، پیرنوروز بهار تربیتیم؛ چه خوش که انبان خود پر از ایمان، عشق، شادی، تلاش و کوشش کنیم و به هر جمعیتی، پای‌کوبان و دست‌افشان باشیم. چه خوش که نغمه «دورباد و کورباد» بر هر غم‌افزای شادی‌سوز و بر هر کارنده یأس و «دروگر بدبینی و بر هر شیطان خود سیه‌ساز و دشمن را پرآواز سرافرازگر، ساز کنیم و بر تلاش و کوشش سرزمین خود و این یکاد بخوانیم و در، فراز کنیم. باشد که از ملانک سرروش آن لاتخافوا و لاتحزنوا بشنویم و ابشروا بالجنة التي کنتم توعدون، تلقی کنیم.

در ابتدای هر سال تحصیلی، مشاوران باید برنامه‌های سال خود را بررسی و طرح‌های متناسب با سال تحصیلی جدید را ارائه کنند. بررسی مسائل مشاوره‌ای باید از زوایای گوناگون انجام گیرد و مبتنی بر نیازهای دانش‌آموزان، طرح‌های مناسبی پیشنهاد شود. علاوه بر آنچه در مدرسه جریان دارد، تمامی شرایطی که دانش‌آموزان را در بیرون از مدرسه احاطه کرده است نیز باید مدنظر مشاوران قرار گیرد. نظر به مقدار وقتی که هر دانش‌آموز در محیط‌هایی از قبیل مساجد، خانه‌های فرهنگ، گیم‌نت‌ها، کلاس‌های آزاد و خصوصی، باشگاه‌ها و جمع‌های دوستانه و خانوادگی صرف می‌کند، و تأثیری که هر یک از این محیط‌ها بر او می‌گذارد، می‌باید برنامه مناسبی برای مدیریت بهینه این تأثیرات ارائه شود.

یکی از محیط‌هایی که نوجوانان در ساعات غیردرسی خود در آن به سر می‌برند، جمع خانواده و جمع‌های خانوادگی و دوستانه است که او را احاطه می‌کنند. نوع تأثیراتی که این دو محیط بر دانش‌آموزان می‌گذارند، برنامه‌های مشاوره‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. توجه به برخی از مهم‌ترین آثار جمع‌های خانوادگی و برنامه‌ریزی برای بهبود این آثار، چه از طریق هدایت خود دانش‌آموز و چه نکاتی که برای خانواده‌ها باید مطرح شود، تشکیل دهنده خطوطی خواهد بود که برنامه‌های هر مشاور را تشکیل می‌دهد. با کمی دقت، هر انسان متفکری می‌تواند به این نکته پی ببرد که بسیاری

فقط نقاط منفی آن را ببینند و نقل کنند. این فضایی است که در بسیاری از جمع‌های دوستانه و فامیلی و خانوادگی شاهد آن هستیم. تصور اینکه چنین جوی، چه بلایی بر سر کودک و نوجوان ایرانی می‌آورد، وحشتناک و فاجعه‌آمیز است. روح و ذهن این فرزندان به دست نزدیک‌ترین بستگانشان، زنده به گور می‌شود. چهره نوجوانی که شاهد شکایت از جوی که در جمع‌های فامیلی و خانوادگی شاهد بوده و همگی به دلیل سیاه‌نمایی او را از زندگی سیر کرده‌اند، بسیار تأثرانگیز است. او برای خلاصی از چنین فضایی که بر اطرافش حاکم است، آرزوی مرگ می‌کند یا به دنبال راهی می‌گردد که به خارج فرار کند و از این شرایط رها شود. کسانی که چنین بلایی بر سر این نوجوان می‌آورند به هیچ‌وجه خیر از جنایتی که می‌کنند ندارند. زنده به گور کردن ذهن و روح نسل امروز ایران توسط خانواده‌ها و بستگانشان، نوع جدیدی از نابودی حرث و نسل است.

باید به چنین افرادی فهماند که به فرض که شما درست می‌فهمید و درست تحلیل می‌کنید و ایران همان‌گونه است که شما توصیف می‌کنید، کودک و نوجوان بی‌گناه و بی‌خبر از هر جا، چه گناهی کرده است که چنین شرایط تیره و تاری را از شما به ارث ببرد؟ اگر هنری دارید، به جای سیاه‌کردن روح و ذهن آنان، از فرزندان و آینده‌سازان این کشور در مقابل این تهدیدها محافظت کنید. کودکان و نوجوانانی که باید با امید و آرزو، خود آینده‌خویش را بسازند، چه تقصیری دارند که از جانب شما چیزی جز تیرگی نمی‌بینند و نمی‌فهمند؟ اینان چه گناهی کرده‌اند که باید آینده خود را در جامعه‌ای که پر از دغل‌کاری و دزدی و اختلاس و خیانت است، تجسم کنند و خود را در فضایی ببینند که به هیچ تلاش و کوششی، از جمله درس خواندن، نتوان امید بست؟ آموزش و پرورش و به‌ویژه مشاوران مدارس باید توجه داشته باشند که بسیاری از دانش‌آموزان از محیط‌هایی می‌آیند که چنین جوی از سیاه‌نمایی و تیرگی را به ذهن آنان تحمیل کرده‌اند. باید برای چنین دانش‌آموزانی فضایی از امید و یافتن روش درست اندیشیدن و نقد فراهم کرد. باید به خانواده‌های آنان هشدار داد که ذهن فرزندان خود را زیر افکار تیره و تاری که در فضای گفت‌وگوی آنان حاکم است، مدفون نکنند. این نکته باید در جلسات با اولیا به آنان گوش‌سزد شود. نکته دیگری که درباره فضای خانوادگی دانش‌آموزان باید مدنظر مشاوران باشد، حاکمیت ارتباط کلامی آلوده، گنج‌کننده، استرس‌زا، تخریب‌کننده و بیماری‌ساز است. فضای ارتباط کلامی اطراف دانش‌آموزان پر است از حرف‌های زائد، متضاد، تحکمی، تحقیرکننده، گناه‌آلود و ریاکارانه. بسیاری از مردم در تشخیص مصداق «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد»، دچار سردرگمی هستند. بسیاری از افراد از راز نگه‌داری و افشا نکردن اسرار مردم ناتوان‌اند. بسیاری از افراد به‌گونه‌ای سخن می‌گویند که گویی اول عاقل عالم‌اند و بقیه مردم ابله و سفیه‌اند. بسیاری از پدران و مادران یک مطلب را بارها و بارها به فرزندان خود گوش‌سزد می‌کنند. این‌گونه والدین، به‌ویژه مادران، محتوای سخنانشان با فرزندان خود عمده‌تاً تشکیل

شده است از ایرادها، سرزنش‌ها، تذکرها، نصایح و ترجیع‌بندهای واحد. بسیاری از کودکان به محض اینکه مادرشان دهان باز می‌کند، می‌دانند چه می‌خواهد بگوید: «درستو خوندی؟»، «اتافتو جمع کردی؟»، «بازم که داری با کامپیوتر بازی می‌کنی؟»، «باز از دوستانت چیز جدید یاد گرفتی؟» و ... جالب این است که این‌گونه والدین، گوش شنوایی برای توضیحات فرزندان‌شان ندارند. فقط حرف خود را می‌زنند و هیچ توضیحی هم نمی‌تواند آنان را قانع کند و موجب شود که از این سخنان تکراری دست بردارند.

نسنجیده سخن گفتن نیز یکی از مشکلات ارتباط کلامی در جامعه و از جمله خانواده است. بسیاری از افراد سخنانی را به زبان می‌آورند که به حد کافی درباره آن‌ها فکر نکرده‌اند. آن‌ها قبل از اینکه سخن کسی را به درستی درک کنند، با فرضیه‌ای که در ذهن خود می‌سازند، درباره مقصود گوینده قضاوت می‌کنند و بر مبنای قضاوت عجولانه خود، سخن می‌گویند. این وضعیت در مورد نقل مطالب نیز به‌وفور مشاهده می‌شود.

بسیاری از مطالب، از جمله شایعات، براساس این قاعده منتشر می‌شوند که شنوندگان آن‌ها قبل از هر گونه تفکر درست درباره مطلبی، آن را به دیگران منتقل می‌کنند. این وضعیت در سال‌های اخیر با گسترش امکانات پیام‌رسان‌ها، شدت بیشتری یافته است. بسیاری از افراد به محض مشاهده یک مطلب، بدون تأمل، آن را با دیگران به اشتراک می‌گذارند. خلاصه اینکه دریافت پیام‌های دیگران و انتقال آن‌ها، با کمترین تحلیل عقلی و فکری انجام می‌گیرد. در فضایی که نمی‌توان درباره صحت و سقم مطالب به روشنی قضاوت کرد، سخن ارزش خود را از دست می‌دهد و دیگر دُر و گهر به شمار نمی‌آید؛ سخن‌شناسی و سخن‌سنجی و سخن‌دانی هم به کار نمی‌آیند. سخن، کالای بی‌ارزشی است که بیشتر به کار آزار و اذیت دیگران می‌آید تا ارتقاء شخصیت و اندیشه آنان. دانش‌آموزان، اغلب از این‌گونه فضاهای ارتباطی به مدرسه می‌آیند. آنان از محیط‌هایی می‌آیند که برای کلام و سخن ارزش چندانی قائل نیستند. چنین انسان‌هایی تشنه کلام و اندیشه دیگران نیستند. اینان برای ارزش قائل شدن برای اندیشه‌ها، باید در یک فضای ارتباطی کلامی سالم و متعالی قرار گیرند تا به تدریج از سخن دیگران، با سخن‌سنجی و سخن‌دانی و سخنوری استفاده کنند. خلاصه آنکه برای ایجاد یک فضای ارتباطی انسانی، به‌ویژه در مدرسه، باید سخن گفتن و سخن‌شنیدن با آداب متعالی انسانی همراه باشد تا تعلیم و تربیت تأثیر خود را به‌خوبی بر متربیان بگذارد.

علاوه بر مواردی که به آن‌ها اشاره کردیم، کارکنان مدرسه به‌ویژه مشاوران باید تأثیر‌گذاری‌ها و تأثیرپذیری‌های دانش‌آموزان در فضاهای خارج از مدرسه را هم تحلیل کنند تا بدانیم با چه دانش‌آموزانی سروکار داریم. فضاهای اعتقادی، اخلاقی، ارزشی و سایر فضاهای احاطه‌کننده دانش‌آموزان، اگر به خوبی مورد توجه و تحلیل واقع نشوند، کارهای تربیتی و مشاوره‌ای اثرگذاری لازم را نخواهند داشت. به امید اینکه با چنین شناخت‌هایی، بتوانیم برنامه‌های اثرگذاری را برای سال تحصیلی پیش‌رو طراحی و اجرا کنیم؛ به امید خدا.